

### سبک رفتار



رشوه یا زیر میز ی، چه فرقی می کند؟

# پول جای رابده، امضا را بگیر!

■ مرز صیه بامیری

آفتقدر موضوع داغ و ملموس است که نیازی به مقدمه چینی نیست. مطمئناً تمام مخاطبان این صفحه حداقل یک بار گذر شان به این واژه‌ها افتاده و در دو راهی انتخاب قرار گرفته‌اند. رشوه یعنی شما چیزی خلاف قرار عرف به کسی بدهی تا در ازای آن به شما خدمتی ارائه کند. آنها اسمش را می‌گذارند هدی‌ه ولی در ستش رشوه است. آنها می‌گویند معاملات زیر میزی ولی شما بخوانید همان رشوه همان رشوه است و اسلام ما را از دادن یا گرفتنش منع کرده است. در دنیای امروز به نظر شما می‌شود کاری را بدون رشوه پیش برد؟ آیا می‌شود به عدالت اجتماعی و انسانیت تمام خادمان دولت اعتماد کرد و کاری از پیش برد؟ آیا می‌شود کسی بدون التماس یا پیشنهاد زیر میزی

### خانهام را

### روی ناامنی مردم نمی‌سازم

■ رضا ش / کارمند

من مهندس ناظر هستم. کارم خیلی حساس است و هر روز که از خانه بیرون می‌روم، فکر می‌کنم این آخرین بار است که خانه را می‌بینم. می‌دانم یک روز پاک‌دستی و به قول بیمانکارها چغر بودن سرم را بر باد می‌دهد. پیشنهادهای من هیچ کدام زیر میز نیستند و اتفاقاً کاملاً قانونی و در کار تایل وارد اتاق کارم می‌شود. وقتی پرونده‌ها را برای نظارت نهایی و تأیید نزد من می‌آورند با ساخنگیری من مواجه می‌شوند.

مورا از ماست بیرون می‌کشم و اجازه نمی‌دهم ریالی پول کم و زیاد بشود. من کارم نظارت بر لوله‌گذاری گاز است. بیمانکارها کارهای عجیب زیادی می‌کنند. کارشان حساس است و با جان و مال مردم در ارتباط است. یک لوله‌گذاری غیر اصولی گاز می‌تواند یک محله را به آتش بکشد و این یعنی فاجعه. کم کردن هزینه‌ها مساویست با خطر و پر کردن جیب آنها. آفتقدر برایشان سود دارد که در پرونده برای من کلید ویلا می‌گذارند. یک بار ۱۰ تا سکه بهار آزادی در صفحات یک سررسوید بود که برایم آوردند و درست به همین دلیل اسمم را گذاشتند چغز!

همین اواخر صورت وضعیتی برایم آوردند که کلی برایم سود داشت و می‌توانست زندگی من را زیر و رو کند. اگر حقوق هم بگیرم همین رشوه‌ها می‌تواند من را به نان و نوبی برساند. ولی هرگز این پیشنهادهات را قبول نکرده و سال‌ها با ترس از تپیدهای سبیری کرده‌ام. می‌دانم که اگر من بگیرم اتاق کناری و کارشان بسدی شاید بگیرد ولی من خلتنه خودم را روی ناامنی و ترس مردم نمی‌سازم. من یک کارمند معمولی هستم و در ازای این پاک‌دستی و حساسیت بالا مزایای بیشتری در یافت نمی‌کنم ولی شب‌ها در نهایت خستگی اما با وجدانی آسوده و خیال راحت سرر بر بالین می‌گذارم. من به نظر من نظارت شغل حساسی است و در لبه پر نگاه قرار دارد. در هر شغلی نظارت شغل در آمدزایی است و حواشی آن بیش از حقوق ملاحظه سودآور است. البته برای کسی که اهلس باشد شما فکرش را بکن این همه خانه غیر اصولی و ناامی که دچار مشکلات و آسیب می‌شود، کدام ناظر یا چه مبلغی آن را تأیید کرده‌است؟

فیلم‌های ابکی که طر حشان تأیید می‌شود کدام ناظر در ازای چقدر آن را در اولویت تصویب قرار داده است؟ مالیات‌های هنگفتی که بیکاره بخشیده می‌شود و زیر میزی‌ای که هر گز معلوم نمی‌شود و خیلی از کارهای دیگر که الان حضور ذهن ندارم اما به راحتی با دادن مبلغی پول انجام می‌شود. این وسط حق عده‌ای که رشوه نداده‌اند و کارشان گیر است خورده می‌شود و این عین حق التماس است.

### رشوه‌هایی که صندلی‌ها را

### جابه‌جای کند

■ فاطمه، ر. ۲۲ ساله

ما هم از رشوه زخم خورده‌ایم. فکر کنم بچه‌های کنکور بزشکی این بی‌عدالتی را تجربه کرده‌اند. صندلی‌هایی که در ازای مبلغ هنگفتی به آقا داده‌ها و پولدارها می‌رسد و ما که شایستگی علمی بالایی داریم اما پولدار نیستیم، محکوم می‌شویم به حذف از چرخه کنکور. همه سرمایه‌گذاری وقت و پولمان هدر می‌رود و آخرش

رقابت را به یک مشت پول می‌بازیم. شما انتظار دارید

جوان‌ها با چه انگیزه‌ای درس بخوانند؟ خیلی از دوستان من قید کنکور را زده‌اند و هم‌زمان با دوره دبیرستان سعی می‌کنند هنری را یاد بگیرند، چون از موفقیت عادلانه در کنکور ناامید شده‌اند. این بی‌عدالتی‌ها یعنی خشکاندن امید و آرزو، یعنی کور کردن گره استعداد و توانایی بچه‌هایی که می‌توانند آینده‌ساز یک کشور باشند، یعنی نابودی طرح‌های موفق‌ی که به خاطر نداشتن پارتی یا پول کافی برای سرمایه‌گذاری می‌مانند و تبدیل به اثر هنری ادارات می‌شوند و در عوض طرح‌هایی که برایش پول زیادی

ظاهر کند؟ اگر در این مملکت همه چیز با مقیاس پول

ارزش‌گذاری می‌شود پس تکلیف شایسته‌سالاری چه می‌شود؟ پس حرف‌های قشنگ عدالتخواهی و حقوق برابر چه می‌شود؟ چرا برای شرکت در مصاحبه کاری ذوق و توانش را داریم ولی چند روز بعد کسی که

گزینش خوبی نداشته، اما پول و پارتی داشته انتخاب می‌شود؟

آدم‌ها پلکنی با پارتی و رشوه تا سطوح بالای مدیریتی پستی می‌ایند. آن وقت انتظار داریم این‌ها لقب کم‌سوادهای پولدار برای نجات کشورمان معجزه کنند؟ بزشک‌های پولدار مشغول طبابت می‌شوند و هزار تا



خرج کرده‌اند به سرانجام می‌رسد و...

رشوه و پارتی از بیسوادها بزشک می‌سازد و با نابعه‌ها برابر. رشوه و خریدن آدم‌ها حتی قانسون را عوض می‌کند. دوست من در چرخه معیوب کنکور سراسری با پسخنامه‌اش گم شد. سه‌هوا بی‌عدهش بماند. بعد از پیگیری‌های زیاد فردی را به آنها معرفی کردند که با سازمان سنجش در رابطه بود. او ۱۰ میلیون تومان طلب کرد تا پاسخنلمه را پیدا کند و...

حالا من جوان حرف‌م این است. اگر پیدا کردن

گمشده‌ها راه و چاه و قانون خود را دارد و می‌شود راه راست رفت چرا دنبال پیگیری خواسته‌ها این قدر با سختی و دشواری همراه است؟ اگر قانون ندارد و نمی‌شود کاری کرد پس چرا عده‌ای می‌توانند؟ چرا پول می‌تواند معجزه کند و بیکهو چیزهای گمشده را

### دل‌م از رشوه‌بگیرها خون است

■ حسین ح / تاجر

حرف از رشوه و پارتی نزدیکه که دل‌م از رشوه‌بگیرها خون است. من بارها بارنامه‌هایم در گمرک گیر کرده است و خیر دارم که خیلی محصولات فاسدشدنی در چرخه دولتی فاتحششان خوانده می‌شود. یا جنسی آفتقدر آنجا می‌ماند که موقع ترخیص قیمتش به شدت افت کرده و عده‌ای را به خاک سیاه نشانده است. در عوض آدم‌هایی دیده‌ام که یک هفته‌ای توانسته‌اند کالای خود را ترخیص کنند چون قید سود بیشتر را زده‌اند و مبلغی مناسب با بارشان رشوه داده‌اند. اوایل راه و چاه را نمی‌دانستم و ضررهای هنگفتی در تجارت متحمل می‌شدم ولی حالا اوضاع فرق می‌کند. هر جا کارم گیر باشد دست به جیب می‌شوم. آدم‌ها هر کدام قیمت خاص خودشان را دارند. می‌گویند رشوه حرام است نباید داد و درست هم می‌گویند و واقعاً نمی‌دانم با این نگاه چه باید بکنم ولی وقتی شما هر بار به در بسته بخوری و

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

### درد

وقتی می‌خواهی وام‌بگیری هزار و یک تبصره و قانون درمی‌آورند و توهی باید بروی و بیایی و پرونده تکمیل کنی اما هم‌زمان با پرونده تو یک وام ۱۰۰ میلیونی برای کسی پیگیری می‌شود که یک روزه همه کارهایش راست و ریس می‌شود و مسئول وام می‌گوید چند روز دیگر پول در حساب است

### سبک نگرش



چگونه به جنگ خرافات برویم؟

## باید بتوانی

## روی صندلی ۱+۱۲ بنشینی!

■ سها سپهری

خرافات به معنی اعتقاد غیر منطقی و ثابت نشده به تأثیر امور ماورای طبیعت در امور طبیعی و به عبارت دیگر، هر نوع پندار عجیب برای مردم عوام است. در واقع اعتقاد یا عملی است که معمولاً ناشی از جهل، سوء تفاهم از علم یا علیت، اعتقاد به سر نوشت یا جادو، تأثیر ماوراطبیعی درک شده یا ترس از آنچه ناشناخته است، می‌باشد. خرافات اصطلاحی است نسبی و مقید به زمان و مکان. برخی از خرافه‌ها احتمالاً در گذشته بخشی از نظام گسترده‌تری از آندیشه‌ها و باورها را تشکیل می‌دادند. ریشه این رفتار نادرست می‌تواند به فرهنگ و سنت هر جامعه برگردد که از قدیم شکل گرفته است یا به بیان واضح‌تر از محیط بیرونی انسان از جمله والد و دیگر مراقبان نشئت بگیرد. باور به خرافات در عصر جدید با وجود پیشرفت‌های علمی هنوز در میان میلیون‌ها نفر از مردم جهان رایج است.

■ خرافات در زندگی روزمره

رفتار خرافی و شرطی‌سازی کنشگر را اولین بار یک روانشناس امریکایی به نام فردریک اسکینر مطرح کرد. مثال‌های زیادی از رفتار خرافی را می‌توان در انسان‌ها مشاهده کرد. زندگی روزمره ما پر است از این گونه رفتارها. وقتی به طور کاملاً اتفاقی در روز پوشیدن لباس خاصی اتفاق خوبی برای ما افتاده، پوشیدن آن لباس برایمان تقویت شده و اکنون فکر می‌کنیم برایمان شانس می‌آورد و به نظر می‌رسد گاه حتی پایین بودن نرخ تکرار آن اتفاق نیز تأثیر اندکی بر باور خرافی ما می‌گذارد.

باورهای خرافی اثرات متعددی بر روان افراد دارد که به برخی از آنها اگر بخواهد اشاره شود می‌توان از اختلال‌هایی از جمله وسواس فکری و عملی، اضطراب افسردگی و... یاد کرد.

برخی از باورهای خرافی ممکن است تأثیری بر سلامت جسم و روان افراد نگذارد اما برخی خرافات می‌توانند نه تنها بر فرد بلکه بر زندگی دیگران اثرات مخربی بگذارد.

همچنین به نظر می‌رسد که باورهای خرافی تنها به افراد کم‌هوش یا کم‌سواد تعلق ندارد و افراد خردمند و با تحصیلات بالا نیز ممکن است در دام باورهای خرافی بیفتند.

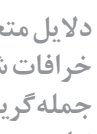
■ انواع و اقسام خرافات را بشناسیم

خرافات انواع مختلفی دارد. یکسری از خرافات بخشی از نظام باورهای مشترک اجتماع هستند مثل باور به خوش شانس‌ی یا بدشانسی و... طبقه دیگر از خرافات، تجربه‌های غیبی مانند آدوک فراحسی و اعتقاد به نیرو و توانایی ذهن در حرکت دادن اشیاء می‌باشند و نوع دیگر خرافات شخصی است و آن، باورها و آدایی است که یک فرد شخصاً و برای خود ابداع کرده و بر این باور است که برای موفقیت در کارها یا پیشگیری از یک خطر به یکسری اعمال دست بزند. مثلاً به هنگام نوشتن باید با قلم معینی شروع کند یا وسایل میز به طرز خاصی آرایش یابند.

به طور مثال برخی انسان‌ها در طول زندگی از قواین خاصی پیروی می‌کنند که گاهی به اشتباه وارد آن باور دارند، گاهی خیر. شخصی را می‌شناسم که آفتقدر باورهای غلط را به خرد و پوست و استخوان خود کرده بود که اگر بر خلاف آن عمل می‌کرد با اتفاق خوبی مواجه نمی‌شد.

یکسری خرافات مثل نحسی عدد ۱۳، قیچی رو به هم تزن دعوا میشه، شش ناخن نگیر، چشم زخم، به گربه آب بریزی زگیل در میاری و... خرافات رایج به همسان اندازه در زندگی وضع نامطمئن می‌شود و خواهیم داشت. بنابراین باید از خود بپرسیم چگونه می‌توانیم مطمئن تر و خاطر جمع‌تر باشیم؟ چون در پشت تصورات خرافاتی اغلب تصویری از ما وجود دارد که می‌تواند به ما کمک کند تا متحول شویم.

بهترین راه در این زمینه، خودشناسی و آگاهی از چیزهایی است که از ذهنمان می‌گذرد، هر گاه به فرافکنی‌های ذهن خود فکر کنیم یا هر گاه در باره نداشتن اعتماد به نفس خود تفکر کنیم و در راه کسب اعتماد به نفس از روانشناس کمک بگیریم تا ریشه‌های مشکل خود را پیدا کنیم، به جای گرفتار شدن در خرافات به وسیله علم مشکل ما ریشه‌یابی و سپس درمان می‌شود. یا حتی اگر با همسر خود به مشکل بر می‌خورید به جای کمک گرفتن از یک غیب‌گو، با هم با تنهایی در جلسات روان‌درمانی شرکت کنید و این‌گونه به جنگ با عقاید خرافی بروید.



دلایل متعددی برای آرایش به خرافات شناسناخته شده است، از جمله گریز از مسئولیت(فرافکتنی)، نیاز به همدلسی دیگران، ترس از طرد شدن، ناکامی، شکست و... شواهد در حال حاضر حاکی از آن است که وقتی امکان کنترل محیط کمتر می‌شود، گرایش مردم به خرافات نیز بیشتر می‌شود

## درد

وقتی می‌خواهی وام‌بگیری هزار و یک تبصره و قانون درمی‌آورند و توهی باید بروی و بیایی و پرونده تکمیل کنی اما هم‌زمان با پرونده تو یک وام ۱۰۰ میلیونی برای کسی پیگیری می‌شود که یک روزه همه کارهایش راست و ریس می‌شود و مسئول وام می‌گوید چند روز دیگر پول در حساب است

## درد

وقتی می‌خواهی وام‌بگیری هزار و یک تبصره و قانون درمی‌آورند و توهی باید بروی و بیایی و پرونده تکمیل کنی اما هم‌زمان با پرونده تو یک وام ۱۰۰ میلیونی برای کسی پیگیری می‌شود که یک روزه همه کارهایش راست و ریس می‌شود و مسئول وام می‌گوید چند روز دیگر پول در حساب است